

خوشنویسی به زبان ساده

■ خیال‌های خط خطی (خوشنویسی به زبان ساده)

■ نوشته: سوسن حقیقت

■ نشر چشمه، چاپ اول، بهار ۱۳۷۸

● محمدعلی اشرفی



مریم شخصیت چهارم داستان فردی است که «سعید» دل در گرو عشق او دارد و در واقع این دو بنا بر قراین داستان «نامزد» یکدیگر می‌باشند! در پرده آغازین داستان سعید از خواب برمی‌خیزد نویسنده از وی تصویر فردی را ارائه می‌دهد که هیچگونه گرایشی به عبادت صبحگاه ندارد. حال اینکه رهرو هنر خوشنویسی به علت پیوستگی این هنر و جوهره مذهبی آن، حداقل باید وجهی از شاکله فکریش معطوف به این ویژگی مهم باشد که خلاء این اصل به نظر ساده، در وادی امر به خوبی حس می‌شود. داستان با نثر معمولی و عادی ادامه می‌یابد و گفت و گوهایی که بین محقق و شخصیت داستان روی می‌دهد از مفهوم هنر آغاز می‌شود هر چند که بیان آنها چندان بلیغ و هنرمندانه نیست.

دلنشین ترین بحث‌های کتاب برای خواننده علاقمند همانا گفته‌های استاد خوشنویسی است که از سیر و سلوک خوشنویسی آغاز می‌شود.

در کنار هم قرار دادن نثر امروزی در داستان نویسی و لحن بیان در ارائه اطلاعات خوشنویسی که دارای حال و هوای سنتی است موجب تغییر در آهنگ گفتار و کلام شده و علت این امر نیز ناشی از آن است که مطالب مربوط به خوشنویسی بیشتر از منابع مختلف گردآوری شده و در واقع فرایند یکنواخت‌سازی و یکدستی با سایر قسمت‌های داستان عملی نشده است.

گفت و گوهایی دو شخصیت داستان (سعید و شیرین) در بعضی موارد چنان کسالت‌آور و ملال‌انگیز می‌شود که سطح داستان را به بحث‌های معمولی تنزل داده است که از ایرادات اصلی کتاب به شمار می‌رود. مواردی از این دست «... بالاخره نفهمیدم چی بر چی

«سعید» جوان محقق است که در مورد سیر خوشنویسی در حال تحقیق است و «شیرین» نیز دختر دانشجویی است که در داستان «سعید» نقش آفرینی می‌کند و به قول نویسنده، شخصیت داستان او را تشکیل می‌دهد. در کنار این دو «آقای کمالی» از استادان خوشنویسی نستعلیق به شمار می‌رود که فاصله میان «سیاهی مو تا سپیدی آن را» با خط مانوس بوده و در جریان تحقیقات این دو بر سر راه آنها قرار می‌گیرد و این دو به کلاس خط وی راه می‌یابند و به جمع آوری گفته‌های ایشان می‌پردازند.

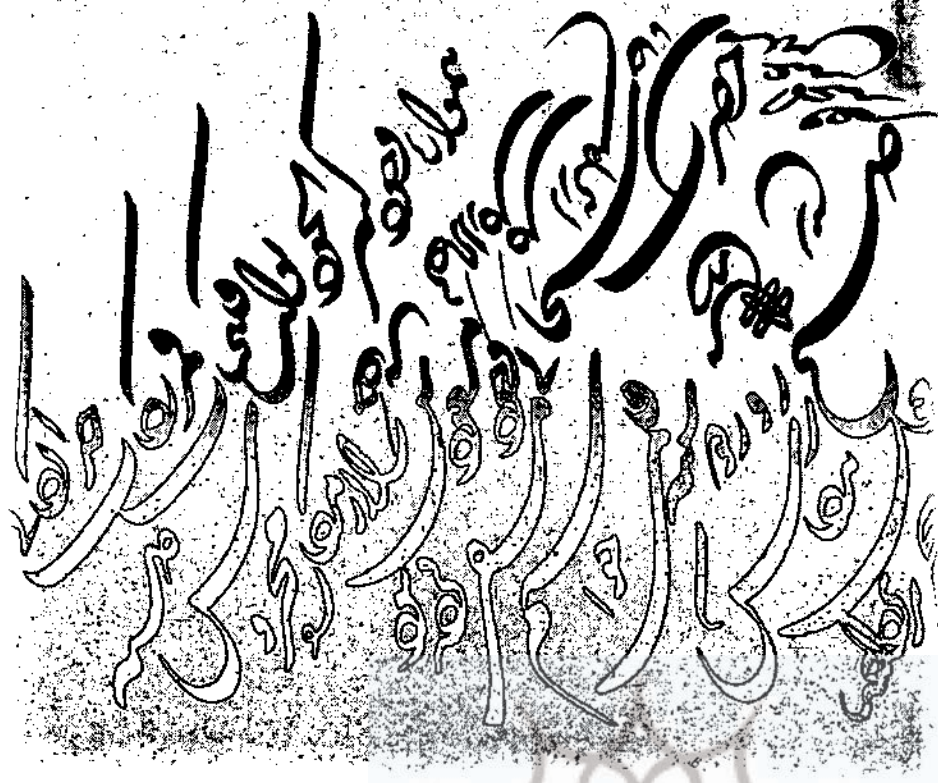
آنچه «استاد خوشنویسی» ارائه می‌دهد در حقیقت ارائه توضیحاتی راجع به مفاهیم خط است.

کتاب «خیال‌های خط خطی» یا خوشنویسی به زبان ساده یکی از آثاری است که در قالب طرح داستان، در صدد است «اطلاعات پایه درباره هنر خوشنویسی را در اختیار علاقمندان گذارد». مخاطبان اصلی کتاب آن‌گونه که ناشر در مقدمه آورده است به طور ویژه «جوانان» هستند.

کتاب بر اساس تحقیق و پژوهش نویسنده و همکار ایشان نوشته شده و به همین دلیل خواننده انتظار دارد که با یک اثر تحقیقی با داشتن ویژگی داستانی و دارا بودن بار زیباشناختی درخور، رو به رو شود.

در اینکه انتقال مفاهیم و اطلاعات زیربنایی در مورد یک هنر به عنوان نمونه، هنر خوشنویسی امری پسندیده و تاثیرگذار است تردیدی نیست، خاصه اینکه نگاه به پیشینه چنین شیوه‌هایی حکایت از آن دارد که موارد مشابهی انجام نشده است و یا اگر هم انجام شده از چشم اهل هنر به دور مانده است. اما همواره این سؤال مطرح است که کیفیت و مزایای چنین شیوه‌ای در گام نخست باید توانایی و توانمندی نویسنده آن در چند زمینه اصلی باشد. به عنوان مثال دارا بودن قدرت قلم متناسب با شأن موضوع، اطلاعات وسیع درباره موضوع و حداقل تجربه به جان زیسته در مورد موضوع می‌تواند سه مؤلفه‌ای باشد که رسیدن آنها به هم منجر به وجود آمدن اثری جالب توجه گردد.

نویسنده در اثر خود دو شخصیت اصلی که همواره با هم به گفت و گو می‌پردازند خلق نموده و در کنار این دو شخصیت سومی را نیز که در حقیقت منبع اصلی برای بیان اطلاعات خوشنویسی است در داستان به کار گرفته است. شخصیت چهارم نیز فردی است که تا انتهای داستان در حاشیه باقی می‌ماند.



مؤثر است» (ص ۲۷) و یا «مثل این که قرار گذاشتی به حساب من کتابخانه‌ات را تکمیل کنی» (ص ۲۶) و... قابل اشاره است. که به لحاظ بار هنری، در کلمات و تشبیهات به کار گرفته شده حق مطلب ادا نشده است. مثلاً «روی هم رفته فضای اطاق به صفحه سفیدی می ماند که با مرکب مشکی خطاطی شده باشد». یا استفاده از جملاتی مانند «همه اندازه دستش است» و یا «چهار راه را رد کردم»، در تلفظ، خواننده را دچار مشکل می نماید و این امر حکایت از آن می کند که نویسنده داستان در آهنگ و آواشناسی حروف و کلمات و ترکیبات به بحث «تنافر حروف» نظر نداشته است. در غیر این صورت به طور حتم سزاوار نبود که در جمله «چهارراه را رد کردم» (ص ۳۲) پنج بار از حرف «ر» استفاده شود و یا رسیدن حرف ساکن به فعل «است» در جمله «همه اندازه دستش است» (ص ۳۳) تلفظ را دشوار کرده و مختل فصاحت متن گردد.

در صفحه ۲۹ کتاب، شعر آورده شده از میرعلی هروی (متوفی ۹۵۲ هـ.ق) با نقل مشهور آن دارای اختلاف است و نگارنده آن را به شکل ذکر شده در کتاب ندیده است. نقل مشهور شعر چنین است:

پنج چیز است که تا جمع نگردد با هم

هست خطاط شدن نزد خرد امر محال

دقت طبع و وقوفی زخبط و خوبی دست

طاقت محنت و اسباب کتابت به کمال

در بحث تراش قلم (صفحه ۳۹) توسط آقای کمالی «اندازه قلم را با محیط آن برابر دانسته اند» ضمن اینکه این معیار در قلم مشقی درست و صحیح می نماید. می توان دو معیار دیگر را بر آن افزود که در سایر اندازه‌های قلم به کار می آید. به عنوان مثال برابر بودن زبانه قلم (جُلْفَه قلم) با قسمت دیگر میدان (یعنی ناودانه) از معیارهای دیگر است. و یا اینکه در بعضی از قلم‌ها یک بند انگشت سبابه برای میدان قلم در نظر گرفته می شود که البته این دو معیار متناسب با نوع قلم قابل استفاده می باشد.

در مطالب خوشنویسی بیان شده، از هر مطلبی در حد ذکر اصطلاحات و بیان یکی دو بیت شعر کفایت شده و بعد مطالبی مطرح می شود که بسیار عادی و معمولی به نظر می آید. مثل کاغذ (ص ۳۰)، و مرکب (ص ۳۴) و مرکب سازی. ارتباط قسمت سوم کتاب (ص ۳۹) که به بیان تاریخ خط پرداخته با سایر قسمت‌های داستان برقرار نشده است و گویی برداشتن آن از کتاب تأثیری از خود به جا نمی گذارد. در همین بخش نوشتار با آهنگ تندتری ادامه می یابد و همین امر موجب شکاف با سایر قسمت‌های متن می شود. شخصیت خوشنویس داستان از «ابر و یادسازی»، «نوع قلم» و «ویژگی‌های خط زیبا» سخن می گوید و با ذکر نام «میرعماد» (۹۶۱-۱۲۴۳ هـ. ق) چنین می پندارد که مخاطبان جوان کتاب از او شناخت کاملی دارند. (ص ۵۴) البته چنین برداشتی از آغاز داستان پیداست.

در مورد خط زیبا از آوردن ملاک‌های روشن و واضح خودداری می شود و تنها با ذکر «نمکین بودن»، «مزه» و... به موضوع پرداخته می شود. این امر الحق و الانصاف در مورد مؤلف کاستی به حساب نمی آید زیرا تاکنون

نیامده است و این در حالی است که نمی توان جایگاه منبع این بواب را در نگارش قرآن و تکامل هنر خوشنویسی و اقلام سته نادیده گرفت، زیرا وی تداوم بخش تحولات و سیر تکاملی هنر خط به شمار می رود.

در این صفحات (۶۰ به بعد) کلام شتاب فراوانی می گیرد و به یک باره خواننده را از حال و هوای یک کتاب داستانی خارج کرده و به فضای تاریخ نگاری وارد می کند. نسبت دادن تمرین نقاشی به میرعماد و محدود کردن مکتب میرعماد به سبک از فرازهای این قسمت می باشد.

به این نکته مهم در تاریخ خط نستعلیق باید توجه داشت که میرعماد بقایای خط تعلیق را در نستعلیق زمان خود زدود و مکتبی پایه گذاری کرد که خود محور و مرکز آن به شمار می رفت و خوشنویسان بزرگی مانند ابوتراب میرزا کاظم، عبدالعبار و... آن را تداوم بخشیدند و در حول این مرکز، جای گرفتند.

در صفحه ۹۱ نویسنده نام بسیاری از استادان را آورده اما از ذکر نام استاد سید حسین میرخانی (ره) (۱۲۸۶-۱۳۶۱ هـ. ش) ما و استاد سید حسن میرخانی (۱۲۹۱-۱۳۶۹ هـ. ق) صرف نظر می نماید و این در حالی است که شأن این دو برادر خوشنویس الزام می کرد که ذکری از آنها به میان آید زیرا پیوستگی حیات معاصر خوشنویسی با نام این دو تن امری روشن تر از آفتاب است.

در صفحه ۱۱۶ کتاب آمده است: «خوشنویسان در گذشته هم به ضرورت هنرمند بودند و هم کاتب... به هر حال با پیدایش صنعت چاپ در ایران تحولی بزرگ به وجود آمد و احتیاج به خوشنویسان کاتب کمتر شد و فرصتی به وجود آمد تا هنرمندان بیشتر آثار هنری خلق

کاری شایسته که بتوان با آن معیارها و ملاک‌ها را تعیین نمود انجام نشده و تنها یک «تجربه حسی» در بیننده است که امتیازات لازم را در کیفیت خط، آن هم خط نستعلیق رقم می زند. در مورد اصطلاحاتی مهم چون: حسن تشکیل و حسن وضع تعاریف کوتاهی ارائه می شود و بعد به طور مختصر به کرسی، ترکیب، نسبت، دور، سطح، نزول، صعود و بالاخره صفا و شأن پرداخته می شود. در صفحه ۶۰ گفته شده: «سطح، همان حروفی است که به صورت کشیده در وسط یا لابه لای حروف و کلمات آورده می شود و به عدم حرکت یا خشکی هم تعبیر می شود». و در مورد دور اشاره می شود که «اما حروف دایره‌ای را دور می گویند، اعم از دایره‌های مستقیم... و معکوس... حالتی است که قلم در آنها بر خلاف سطح گردش می کند و انعطاف دارد».

در مورد سطح کافی است اشاره کنیم که سطح به حرکت مستقیم قلم ناظر است زیرا با این امر شمول بیشتری به تعریف می دهیم و در مورد دور نیز حرکت دورانی قلم مراد می باشد و از تلفیق این دو همچنان که در رسم الخط مرحوم سیفما... یزدانی (۱۳۶۲) اشاره شده انعطاف حاصل می شود. زیرا ما تنها در کشیده‌ها و دوایر حقیقی و معکوس دور و سطح نداریم و این دو رکن مهم خوشنویسی در تمام حروف و کلمات و حرکات وجود دارد و لولوی اینکه به شکل محدود وجود داشته باشد.

در مورد دو اصل مهم «شأن و صفا» بهتر بود که به تفاوت آن با ده اصل دیگر اشاره می شد زیرا این دو اصل مهم کیفی می باشد و آن ده اصل دیگر کمی هستند.

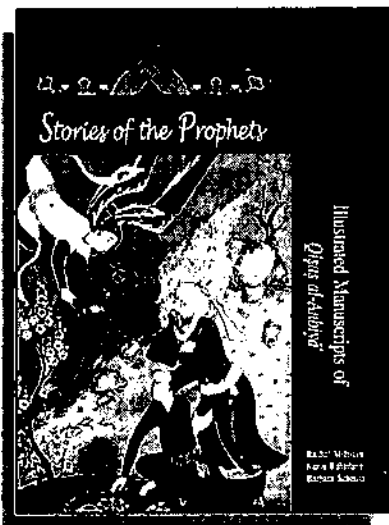
در مروری به استادان بزرگ خوشنویسی (ص ۸۶) از ابن بواب کاتب بزرگ و ادامه دهنده راه ابن مقله و یکی از حلقه‌های و اصل در زنجیره هنر خوشنویسی سخنی به میان

Stories of the Prophets

illustrated Manuscripts
of Qisas Al - Anbiya

by Rachel Milstein, Karin Ruhrdanz,
Barbara Schmitz

داستان‌های پیامبران



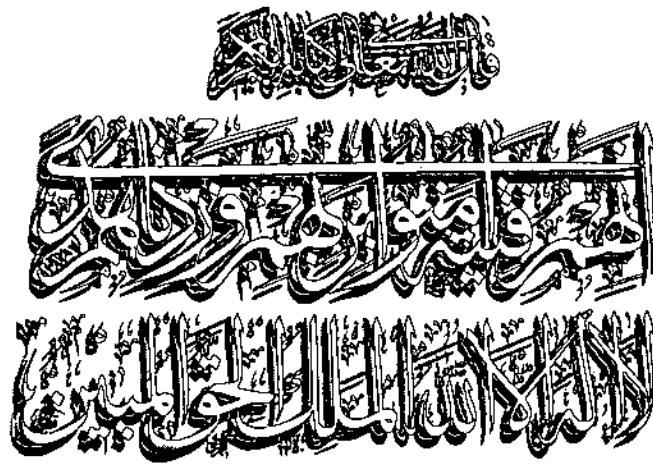
اثر حاضر از مجموعه هنر و معماری اسلامی است و به نسخه‌های مصور قصص الانبیاء اشاره دارد.

مطالب کتاب شامل:

نسخه‌های خطی و شمایل‌سازی نوشته میلستین (R. Milstein)، سسبک و روش‌های نقاشی در داستان‌های پیامبران و نسخه‌های خطی اثر (K. Ruhrdanz)، یک الگوی ایرانی درباری اثر اشمیتز (B. Schmitz)، منشاء و بافت اجتماعی، داستان و تصاویر مربوط به آنها اثر (R. Milstein) و فهرست تصاویر و کتابشناسی می‌شود.

کتاب با جلد گالینگور در آوریل ۱۹۹۹ منتشر شده است.

Mazda Pub; ISBN: 1568590644



مطالب و تصاویر خوشنویسی اختصاص یافته که با کم کردن تصاویر به ۳۲ صفحه می‌رسد و در واقع ۲۰ درصد از مطالب کتاب حاوی اطلاعاتی در مورد خوشنویسی است و بقیه به گفت و گو و توصیفات پرداخته است. طرح بعضی از جملات داستان خواننده را در مقابل سوالی قرار می‌دهد که مثلاً «شیرین دختر زیبایی نبود، اما از حال و هوایش خوشم می‌آمد». (ص ۷۷) یا «و نسیم، دختری بسیار زیبا که پوستی لطیف و روشن دارد و چشم‌هایش به رنگ دریاست» (ص ۸۲) و جمله (ص ۹۳) «هیچ کس نمی‌تواند...» چه نوع کاربردی در داستانی که به منظور آموزش اطلاعات پایه خوشنویسی پرداخت شده است، دارا می‌باشد! و اصولاً مخاطب جوان کتاب از این دست توضیحات و گفت و گوهای به اصطلاح هنری چه بهره‌ای عایدش می‌گردد.

آنچه که در این داستان جای خالی آن پیداست روحی مانوس با عرفان و مذهب است که به آن حتی در لازم‌ترین قسمت‌های کتاب پرداخته نشده و به همین دلیل زیربنای مهم برای اطلاعات پایه هنر خوشنویسی به هیچ وجه فراهم نیامده است. زیرا همه می‌دانیم تطور خط از کوفی تا اوج آن یعنی نستعلیق یکی از معجزات اسلام است. بی‌تردید به صرف جفت و بست و در کنار هم نهادن مطالب از منابع گوناگون نمی‌توان متن داستانی فراهم آورد و این همان سخنی است که به معیارهای آغازین بحث باز می‌گردد و نشان از آن دارد که نویسندگان داستان تا پیمودن راه طولانی داستان‌نویسی آن هم ورود در وادی موضوع مهمی مانند خوشنویسی و ایجاد سازگاری آن با زمانه فعلی، نیازمند پژوهش بیشتری با همکارانشان می‌باشند.

علی‌رغم دقت و وسواس به کار رفته در تنظیم داستان، کتاب از اشتباهات تایپی و غیر تایپی بی‌بهره نمانده است. در صفحه ۲۳ کتاب در زیر قطعه میرزاغلامرضا نوشته شده «جلی شکسته» حال اینکه باید به «جلی نستعلیق» تصحیح گردد. کلمه «شبیبه» به «شبیبه» در صفحه ۵۰ و کلمه «زیبای شناختی» به «زیبایی شناختی»، «احمد تبریزی» به «احمد تیریزی» تغییر یابد و سرانجام آنکه میرزا محمود کلهر به میرزا محمد کلهر بدل شود و در نهایت کلهر نیز اهل کرمانشاهان بوده و نه اهل کردستان که در صفحه ۹۱ ذکر شده است. برای نویسندگان داستان آرزوی ارائه آثار دلنشین و تازه‌ای را از خداوند بزرگ خواهانم.

کنند». بر این نکته می‌توان نقد کرد که در زمان ایجاد چاپ سنگی خوشنویسان بزرگ و صاحب نام مثل میرزاعباس نوری، میرزا غلامرضای اصفهانی، میرزا اسد... شیرازی و دیگران تمام توش و توان خود را برای کپی کردن از آثار میرعماد مصروف می‌داشتند، بنابراین ذکر این نکته که چاپ سنگی موجب شد «هنرمندان بیشتر آثار هنری خلق کنند» محل تأمل و تجدید نظر است.

در بحث ساختار هندسی خطوط و نسبت دور و سطح در کتاب مواردی ذکر شده که باید مورد بررسی قرار گیرد. به عنوان نمونه برای خط ثلث $\frac{1}{3}$ سطح و $\frac{2}{3}$ دور و برای خط نسخ نیز به نسبت مساوی $\frac{3}{6}$ دور و $\frac{3}{6}$ سطح در نظر گرفته شده است. در مورد خط ثلث پرواضح است که در این خط سطح نسبت به دور دارای غلبه بیشتر می‌باشد و نسبت سطح به دور برتری دارد، به این ترتیب که در این خط $\frac{4}{6}$ سطح و $\frac{2}{6}$ به دور اختصاص می‌یابد. همین نسبت نیز در خط نسخ صادق است زیرا در خط نسخ نیز سطح غالب است. بنابراین دو نسبت ارائه شده در بالا درست نیست، زیرا دو خطی که دارای نسبت مساوی در سطح و دور می‌باشند توقیع و رقاع هستند. در محقق و ریحان نیز $\frac{1}{6}$ دور و $\frac{5}{6}$ را سطح شامل می‌شود. در کتاب سطح در نستعلیق $\frac{1}{6}$ تا $\frac{5}{6}$ ذکر شده و $\frac{4}{6}$ نیز به دور اختصاص یافته است. نگارنده بر اساس محاسبه‌های انجام شده و اعمال نسبت‌های دور و سطح به این نتیجه رسیده که دور در نستعلیق $\frac{5}{6}$ و سطح $\frac{1}{6}$ را به خود اختصاص داده است.

بر این توضیحات باید افزود که نسبت دور و سطح الزماً نمی‌تواند عدد کاملاً ثابتی به شمار آید کما اینکه در وصف خط مرحوم زرین خط بیان می‌شود که در خط آن مرحوم، سطح غلبه بیشتری داشت و این امر از نگاه کارشناسی بر آثار نامبرده مشهود است. به همین دلیل در نظر گرفتن مقداری دامنه‌نوسان در سنجش نسبت‌های دور و سطح امری معقول می‌نماید.

در نمودار زیر نسبت دور و سطح بر یک محور مختصات نمایش داده شده است.

بسیاری از مطالب گفته شده در لابلای داستان به شکل گویاتر در کتاب‌های آموزش خط و یا رسم‌الخطها و کتاب‌های تاریخ خط ذکر شده است.

در مجموع از ۱۴۵ صفحه کتاب ۵۰ صفحه به